



گفتاورتن

زيبا، بدون فن بيا



سيد علي عطايي

مجموعه شعرش باید خیلی زودتر از این چاپ می‌شد؛ اما یک فاصله چندساله بین شعر و او سبب شد که کتابش در سال ۱۳۹۳ به بازار بیاید. او از نسل دوم شاعران مهاجر در ایران است. متولد سال ۱۳۵۴، دانش آموخته رشته شیمی در دانشگاه اصفهان و فعلاً هم در ایران زندگی می‌کند. با این مقدمه نگاهی می‌اندازیم به «سیب‌های سرخ چیدنی» مجموعه شعر سید حکیم بینش. سیب‌های سرخ چیدنی شامل تعداد زیادی غزل، دو مثنوی، چند رباعی و چند شعر سپید است. به نظر می‌رسد که شاعر می‌توانست از قالب‌های دیگر صرف‌نظر کند و کتابش را اختصاص بدهد به غزل.

نگاهی اجمالی به سیب‌های سرخ چیدنی نشان می‌دهد که این اثر هم مثل دیگر آثار ادبی دارای نقاط مثبت و منفی است. بارزترین ویژگی سید حکیم بینش طبع روان اوست. این روانی طبع هم می‌تواند برای شاعر راهگشا باشد و هم مشکل آفرین. در مجموعه سیب‌های سرخ چیدنی با شاعری روبه‌رویم که خیلی راحت و روان شعر می‌گوید و احساس و اندیشه خود را بسیار ساده و بی‌تکلف بیان می‌کند. بعضی از ضعف‌های شعر او هم از همین ناحیه است؛ یعنی شاعر می‌کوشد با کمترین پیرایه و رنگ و لعاب حرفش را بزند و چندان ژست شاعری نگیرد. او مثل سخنرانی است که کوشش می‌کند خیلی راحت و دوستانه با حاضرین در محفل سخن بگوید و خیلی درگیر الفاظ و عبارات و مقدمه و پیچ‌وتاب دادن کلام نباشد. در واقع، او «زیبا بدون فن بیان حرف می‌زند» (سیب‌های سرخ چیدنی، ص ۱۰۳). این رویکرد یک حسن است برای شاعری که طبعش روان است، اما کمی سهل‌انگاری سبب می‌شود که این حسن، بدل به عیب شود؛ هم چنان که برای سید حکیم بینش، شده است.

نقطه ضعف‌ها

در مجموعه شعر سیب‌های سرخ چیدنی محتوا بر ساختار ارجحیت دارد؛ یعنی شاعر کوشش دارد که به هر شکل ممکن حرفش را بزند. به همین دلیل گاهی زبان را به حال خودش رها می‌کند و دچار نوعی آشفتگی در بیان یا ضعف تألیف می‌شود. شاعر پس از سرودن دیگر چندان رغبت نمی‌کند که برگردد و دستی به سر و روی ابیات بکشد و آن‌ها را سر و شکل بهتری بدهد. مثلاً در شعر تحویل سال می‌خوانیم:

بی‌شما هرگز نمی‌چسبم مرا تحویل سال
فرق دارد با شما و بی‌شما تحویل سال
خواب دیدم پا به روی چشم‌هایم مانده‌ای
می‌شود روشن بگو این چشم‌ها تحویل سال؟

در این شعر اول مخاطب دوم شخص جمع است؛ اما فوراً به مخاطب اول مفرد بدل می‌شود. جدا از این سهل‌انگاری، مصراع چهارم به طور آشکاری دچار ضعف تألیف است. شاعر می‌خواهد بگوید به من بگو آیا لحظه تحویل سال این چشم‌ها روشن می‌شود یا نه؟ یا این بیت:

من چندمین شکار بزرگم به دست تو
خود نیز هم به یاد نداری حساب را
هم چنین این بیت:
پنهان مکن، سراغ مرا می‌گرفت مرگ؟
من بواز آن چه حادثه می‌داد برده‌ام

در شعر ریسمان، مخاطب به طور عموم دوم شخص جمع (شما، تان)

است؛ اما در همان مطلع غزل شاعر فعل مفرد می‌آورد و جالب این‌که در مطلع هم همان فعل را تکرار می‌کند. ضمن این‌که حرف ربط «که» هم بدون دلیل آمده است.

قرآن بخوان که عینک‌تان می‌شود عوض
دنیا ی سرد و کوچک‌تان می‌شود عوض

از این دست اشکالات در سیب‌های سرخ چیدنی کم و بیش وجود دارند. در یکی از غزل‌ها لذت سرایش شعر شاعر را حتی از یک اصل فنی بدیهی در شعر کلاسیک غافل کرده. او در غزل «روایات چشم تو»، باغات و عنایات و اشارات و بیانات و روایات را با مجازات و مناجات قافیه کرده است (همان، ص ۸۹).

در بعضی از غزل‌ها، ردیف چندان جوابگو یا کامل‌کننده نیستند؛ یکی اش غزل تحویل سال است و دیگری، غزل پرستو.

پدر می‌گفت در سالی صمیمی
پرستورفت با بالی صمیمی
پرستورفت و بعد از رفتن او
به راه افتاد جنجالی صمیمی
پس از آن نیمه شب در آسمان‌ها
یکی می‌دید تمثالی صمیمی
و من گاهی که می‌دیدم به سر داشت
به رنگ سبزه‌ها شالی صمیمی
پرستورفت اما مانده این جا
سبدهایی از آمالی صمیمی

(همان، ص ۱۲۳)

بعضی از غزل‌ها ردیف خنثی و بی‌تأثیر هستند. شاعر می‌توانست از موسیقی کناری استفاده بهتری بکند.

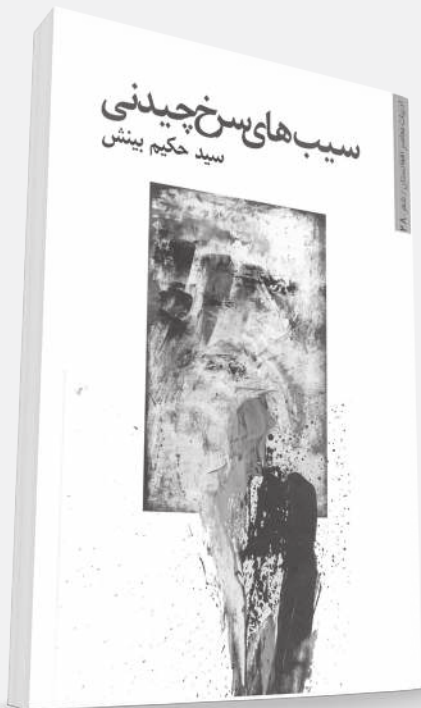
در تعدادی از غزل‌ها ارتباط عمودی بین ابیات برقرار نیست و یا کمتر نمود پیدا کرده است. هر کدام از بیت‌ها حال و هوای خاص خود را دارند و راه خود را می‌روند! مثلاً غزل «خط فاصله» (ص ۱۰۷). در تعدادی دیگر از غزل‌ها هم کم و بیش همین اشکال هست.

انتخاب بحر عروضی یا وزن عروضی اگرچه معمولاً از دست شاعر بیرون است و خودبه‌خودی؛ اما شاعر می‌تواند با اختیار، فراوانی آن را کنترل کند. مثل نفس کشیدن است یا مثل پلک زدن. ما معمولاً بی‌اختیار نفس می‌کشیم یا پلک می‌زنیم، اما می‌توانیم تنفس یا پلک زدن خود را مدیریت کنیم. در مجموعه سیب‌های سرخ چیدنی تعداد زیادی از غزل‌ها در یک وزنند: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات. این بحر از بحرهای خوش‌آهنگ شعر فارسی است. با این حال بسامد زیاد آن ملال‌آور می‌شود. در مجموعه شعر سیب‌های...، همین اتفاق افتاده است.

نقطه قوت‌ها

خوب است کمی هم از نکات مثبت مجموعه سیب‌های سرخ چیدنی صحبت کنیم. در آغاز گفته بودیم که سید حکیم بینش طبع روانی دارد. در اکثر غزل‌ها شاعر یکی دو بیت بی‌نظیر دارد. من بعضی از آن‌ها را برای خوانندگان انتخاب کرده‌ام:

در سینه‌ام حسین و یزید است روبه‌رو
از دشت کربلای خودم حرف می‌زنم



با سنگفرش های خیابان قدم زنان
از قطعه قطعه های خودم حرف می زنم

• امشب شبیه دهکده ای در مسیر جنگ
یا مثل پایتخت به آتش کشیده ام
سربازها پس آمده، ترکیده بغض زن:
«من در میان شان پسرم را ندیده ام»

• ما با بهار در وطن آغاز می شویم
چون غنچه بعد و اشدن آغاز می شویم

• گاه کار من که گیر می کند
می کنی نگاه، چاره می شود

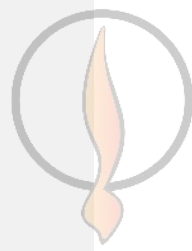
اشیاء و عناصر و اصطلاحات زندگی روزمره شاعر بدون هیچ تشویش و دغدغه وارد شعر سید حکیم بینه شده اند. سیگار به وفور در شعر او آمده اگر چه خوشبختانه خود شاعر سیگاری یا سگری نیست. ایمیل، اتچ فایل، سنگ فرش، محکوم کردن، پنجر، چهار چشمه و بی مدارک، آرشیو، کلیپ، آنونس و...

حضور این واژه ها نشان می دهد که شاعر، شاعر روزگار خودش است و تنها خود را به شمع و گل و پروانه و بلبل و... محدود نکرده است. داشتن طبع روان این امکان را به شاعر می دهد که بدون محدودیت و بدون مشکل واژه ها را به استخدام خود بیاورد و دایره واژگانی وسیعی داشته باشد.

در مجموعه سیب های سرخ چیدنی دو مثنوی هم هست. مثنوی دیوانه نامه، هم از نظر محتوا کار خوبی است هم از نظر پرداخت. شعرهای غیر کلاسیک شاعر هم در نوع خود قابل توجه اند.

کفش های پشت دروازه کوچک بودند
خانه پر بود از جنجال های قشنگ
صداهای بیرون پر می زدند
و همسایه ها کلافه می شدند
کفش های پشت دروازه بزرگ شدند
جوره شدند
ورفتند

همسایه ها خاطره می گویند



در این شعر شاعر چقدر ساده و روان گذر سریع زمان و تغییر نسل ها را یاد اندیشه
به تصویر می کشد. تاسیس ۱۳۹۱

نمونه یک طرح عاشقانه:

تنهایی را از دوشم
و چارقد را از سرش برداشت

...

صحبت درباره مجموعه شعر سید حکیم بینه را در همین جا به پایان

بیریم با تقدیم این رباعی:

در پشت درم، بهانه ات را دارم
من قصد تو و خزانه ات را دارم
این قفل نیازی به شکستن دارد
وقتی که کلید خانه ات را دارم؟

انتخاب بحر عروضی یا وزن
عروضی اگرچه معمولاً از دست
شاعر بیرون است و خود به خودی؛
اما شاعر می تواند با اختیار،
فراوانی آن را کنترل کند. مثل
نفس کشیدن است یا مثل پلک
زدن. ما معمولاً بی اختیار نفس
می کشیم یا پلک می زنیم؛ اما
می توانیم تنفس یا پلک زدن خود را
مدیریت کنیم.